

نشست تاریخی "چهار گروه افغانی" در پترزبرگ
"توافقات بن" به مثابه برهه ی مهمی در تاریخ افغانستان

1. پیشگفتار:
2. نیاز مبرم برای یافتن راه حل سیاسی
3. پیشینه تاریخی تلاش های راه صلح
 - 3.1. مواضع کشور های "2+6"
 - 3.2. طرح پنج نکته یی نماینده ویژه کوفی عنان
4. روند دشوار نشست پترزبرگ
 - 4.1. گروه چهار گانه در نشست پترزبرگ
 - 4.2. موانع ناشی از پیشینه تاریخی
 - 4.2.1. بازگشت سلطنت در رویارویی با ریاست جمهوری
 - 4.2.2. تلاش های گسترده برای زعامت حامد کرزی
 - 4.3. محتوای "توافقات بن"
 - 4.3.1. اعلام مواضع گروه چهارگانه
 - 4.3.2. حق تعیین سر نوشت بدست خودمردم
 - 4.3.3. تدابیر پیشگیرانه اقتصادی و امنیتی
5. ارزیابی انتقادی
رویکرد ها

1. پیشگفتار

به تاریخ 27 ام ماه نومبر سال 2001 به دعوت سازمان ملل متحد، تحت شرایط اکید امنیتی، نشست چهارگروه افغانی در تالار پترزبرگ - درجوار شهر بن - دایر گردید.

در مرحله نخست این همایش، با توجه به اختلافات گسترده موجود میان این گروهها - از قبیل خصومت های قومی و تفاوتها ی فکری - رسیدن به یک راه حل سیاسی مناسب و درخور اوضاع افغانستان خیلی ها مشکل به نظرمی رسید. با وجود آن، پس از نشست های دور و دراز، این گروه ها به تاریخ پنجم ماه دسمبر در پای "توافقات بن" صحه گذاشتند. چنین امری به روشنی بیانگر تغییر ذهنیت جنگی گروه چهارگانه و فشار های نرم جهانی پنداشته شده می توانست.

درین نوشته دشواری ها، داد و گرفت های سیاسی و محتوای توافقات، که نویسنده بمثابه ناظر سیاسی از نزدیک روند پر پیچ و خم آنرا همراهی نموده، ترسیم میگردند. [1]

2. نیاز مبرم برای یافتن راه حل سیاسی

حل سلیسی معضله مزمن و چند بعدی در سرزمین هندوکش نخست بسیار بغرنج بوده، راه پریچ و خم صلح آمیز دشوار و با "سنگ ریزه های سیاسی درونی" و "خرسنگ های راهبردی منطوقی" روبرو دیده می شد.

ذهنیت پر خاشگری حاکم در دوده پیشین، تفاوت های فکری - سیاسی نخبگان جنگی و در اخیر بنابر فقدان طرح سیاسی ای که جوابگوی حد اقل برداشتهای متفاوت احزاب و گروههای درونی کشور باشد، موانع عمده بر سر راه صلح پنداشته می شدند. از سوی دیگر خواسته های سیاسی، آرمان های مذهبی و خطوط راهبردی کشور های منطقه و همچنان موضع گیری های ناسالم و زود گذر جهانیان و قطب بندی های ناشی از آن زمینه ساز "صلح عادلانه" در سر زمین هندوکش نبودند.

گرچه افغانستان در بیست سال گذشته شاهد افت و خیزهای زیاد سیاسی بوده، ولی در کل این تصور در کشور حکمفرما بوده که تنها از طریق «نظامی» میتوان به قدرت رسید و نظام های اقتدارگرای سیاسی خویش را بر مردمان آن سرزمین فقط با پر خاشگری تحمیل نمود.

نخست از همه در زمان فرمانروایی حزب "دموکراتیک خلق افغانستان" و نظام دیوان سالار این حزب، مقاومت گسترده در درون کشور با پشتیبانی های سیاسی، مالی و نظامی غرب، قوای اشغال گر اتحاد جماهیر شوروی را با شکست مواجه ساخت. خروج قوای خارجی از افغانستان با اساس "توافقات ژنیو" در سال 1989 بوقوع پیوست. قابل توجه اینکه، توافقات ژنیو در بین حکومت کابل و اسلام آباد و با تضمین ایالات متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی بوقوع پیوست. ولی مردم افغانستان ویا نماینده های سیاسی آنها، و لو که در محدوده احزاب پیشاور نشین افغانی هم می بود، در ژنیوحتی بمثابه ناظران سیاسی حضور نداشتند.

پس از خروج قوای شوروی در سال 1989، سازمان ملل متحد تلاش هایی در جهت بیرون رفت از منازعه افغانستان بخرج داد. ولی طرح بنن سوان، نماینده ویژه سازمان ملل نظر به درهم دریزی رژیم اقتدار گرای نجیب، و عدم باور مندی ای که به راه صلح در بین مجاهدین مستولی بود، به ناکامی مواجه گردید.

با قدرت رسیدن مجاهدین بتاريخ 28 ماه اپریل سال 1992 معضله صلح و بازسازی کشور در سطح دیگر مطرح گردید: این بار پراگندگی سیاسی و فقدان ذهنیت "آشتی ملی" در بین خود مجاهدین زمینه ساز تداوم پر خاشگری و انحصار گرایی نیرو های نامتجانس درون کشور بود. با وجود توافقات پیشاور و صحه گذاشتن بر این تعهدات در ریاض و تهران، نیرو های تا بدنان مسلح درون کشور از رویارویی باهم دریغ نکردند. در نتیجه افغانستان و حتی پایتخت کشور به مناطق نفوذی سازمان های مجاهدین و قوماندانان متنفذ مبدل گردید.

ظهور و اوج قدرتگرایی گروه طالب پس از سال 1994، دوباره از یکطرف منجر به قطب بندی تازه سیاسی در درون کشور گردیده و از سوی دیگر قلمرو طالبان را به لانه دهشت افگنی بین المللی مبدل

کرد. بر عکس گذشته ها، گروه طالب حتی حاضر نبود که به شکل لفظی اگر هم باشد، با گروه‌های دیگر بدور میز مذاکره بنشینند.

بمباردمان بر مواضع طالبان و برادران هم فکر آنها - گروه هراس افکن القاعده - توسط ائتلاف زیرفرماندهی ایالات متحده امریکا، به تاریخ هفتم اکتوبر سال 2001 مسیحی، که منجر به راندن گروه طالب نخست از شهرهای شمال و بعدتر از پایتخت کشور گردید، در تاریخ جنگ معاصر کشور صفحه تازه ای باز نمود: حملات دهشت افگنی در نیو یارک و واشنگتن نیاز حل سیاسی را روشن نموده و جهانیان را به این امر واداشت تا از یکسو کشور های همجوار افغانستان را وادارند، تا باهم کنار آمده و در راه صلح نقش سازنده بازی نمایند. از سوی دیگر غرب مصمم بود که این بار بر نیرو های متخاصم درون کشور هم فشار لازم وارد نموده و آنها را بروی میز مذاکره بکشاند. گرچه راه حل سیاسی مستلزم آماده بودن شرایط مناسب خارجی پنداشته میشد، ولی بسنده نبود. تعیین کننده، به نوبت خویش باور مندی سیاسی نیرو های مسلح کشور در راستای صلح و آشنی بود. این نیرو ها هم به نوبه خویش از تاریخ دو دهه خونبار درکشوردرس عبرت گرفته و باین باور رسیده بودند که هیچ گروهی به تنهایی و بویژه از طریق نظامی موفق به پیاده کردن صلح عادلانه و ثبات دوامدار در کشور شده نمی تواند. پیروزی نظامی، اگر با راه حل سیاسی همراه نبوده و ارینظریق کامل نگردد، دیر یا زود به بن بست کشانده می شود. علاوه بر آن اوضاع فلاکتبار امنیتی، تخریب زیر ساختهای اقتصادی، فرو پاشی قسمی روابط سنتی و در اخیر خدشه دار شدن پیوند های خانوادگی، همه و همه عواملی بودند که منجر به دگر گونی ذهنیت بخش های میانه و پایینی نخبگان جنگی کشور گردیده و اثر گذاری آن بر رهبران سازمان های جهادی نا دیده گرفته شده نمیتوانست. با این زمینه های فکری، پس از راندن گروه طالب سازمان ملل متحد با قاطعیت تمام در "خارستان افغانی" گام های جدی برداشت.

3. پیشینه ای تاریخی تلاش های راه صلح

سازمان ملل متحد از یک سو به شکل گسترده کوشید تا در بین آن گروه‌های افغانی ذیدخل در زد و خورد های کشور کوهپایه های هندوکش که دارای افکار مختلف و قسماً متضاد بودند، هماهنگی به وجود آورد، و از سوی دیگر مذاکراتش را با کشورهای "2+6"، یعنی شش کشور همجوار افغانستان به شمول ایالات متحده امریکا و فدراسیون روسیه ادامه دهد.

بر عکس گذشته ها، این بار هم گروه های افغانی و هم کشورهای منطقه، علی الرغم انگیزه های مختلف در این نکته باهم توافق نظر داشتند که گام های مشترکی در راه حل سیاسی مسئله افغانستان بردارند.

3.1. مواضع کشورهای "2+6"

کشور های "2+6" ضمن نشست های به تاریخ یازدهم ماه نومبر سال 2001، در مقر سازمان ملل متحد در نیویارک طی اعلامیه مشترکی به توافق در مورد هشت نکته مهم دست یافتند:

این گروه از یک طرف " صدور هراس افگنی" توسط ملیشه های طالب و شبکه هراس افگن القاعده را محکوم نموده، و از جانب دیگر به مردم افغانستان وعده داد که در راهی ازستم رژیم طالبان، از آنها حمایت می کند .

در اعلامیه همچنان از استقلال سیاسی، حاکمیت ملی، و تمامیت ارضی افغانستان یاد گردیده است. علاوه بر آن اعلامیه از ایجاد یک حکومت فراگیر - چندین قومی - از طریق انتخابات آزاد و درحسن همجواری با کشورهای همسایه تذکر داده است. [2]

به تاریخ سیزدهم ماه نومبر، لخصربراهیمی، نماینده ویژه کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد برای افغانستان با تاسی از توافقات گروه "2+6"، گزارشش را در مورد اوضاع افغانستان وامکانات راهیافت های سیاسی این کشور جنگزده به شورای امنیت ملل متحد تقدیم نمود. براهیمی در این گزارش به ویژه بر نقش مثبت کشورهای ایران و پاکستان تاکید نمود. در گزارش به طور مشخص از جنرال پرویز مشرف، رئیس جمهور پاکستان و محمد خاتمی، رئیس جمهور ایران به مثابه سیاستمدارانی نام برده شده است که خواهان تشکیل یک حکومت باثبات به نمایندگی از مردم افغانستان می باشند [3]

براهیمی که بتاريخ سوم اکتوبر از طرف کوفی عنان بمتابه نمایندده ویژه وی در امور افغانستان تعیین گردیده بود، بتاريخ 26 اکتوبر به سفر گسترده در منطقه آغاز نموده. وی با حکومت پاکستان، ایران و عربستان سعودی در مورد افغانستان مذاکره نموده و پس از آن در روم ار محمد ظاهر، پادشاه سابق افغانستان نیز دیدار نمود. علاوه بر آن وی با تعداد زیادی از گروه های دیگر، از قبیل سران قومی، محصلان افغانی، متنفذین سیاسی و گروه های درگیر در منازعه افغانستان نیز صحبت های مفصلی انجام داده بود. بنابر اظهارات براهیمی، گروه های افغانی بدون استثنا حملات دهشت افگنی را بر واشنگتن تقبیح نموده و اظهار داشته اند که از خاک افغانستان به مثابه تخت پرش دهشت افگنی بین المللی سو استفاده صورت گرفته است. در عین زمان نیرو های افغان در مورد حملات هوایی که منجر به قتل ملکی ها گردیده، اظهار نگرانی نموده اند. نظر به گفته براهیمی، افغان ها درین نکته هم نظر اند، که تنها یک دولت مشروع بمتابه نماینده آرزوها و خواست های همه ی مردم افغانستان توانایی آنرا دارد که افغانستان را از جنگ دهشت افگنی بین المللی برهاند. [4]

3.2. طرح پنج نکته ای نماینده ویژه کوفی عنان

براهیمی که در این مذاکرات از همکاری نزدیک فرانسس ویندرل، معاونش برخوردار بود، بلاخره این طرح پنج نکته ای را برای حل معضله افغانستان پیشکش نمود.

[1] سازمان ملل متحد باید بزودی نشستی را با اشتراک "اتحاد شمال" و نمایندگان نیرو های دیگر افغانی به هدف نمایندگی متناسب از تمام جامعه افغانی بر گزار نموده تا روی روند "دوران انتقالی سیاسی" با هم کنار آیند.

2] این گردهمایی باید شورای موقتی را تشکیل دهد که از تمام افغانستان از اقوام و هر گوشه و کنار آن کشور نمایندگی کند. در راس این شورا باید شخصی قرار گیرد که بمثابة نماد وحدت ملی تمام اقوام، مذاهب و مناطق کشور صدق نماید.

3] شورای موقت وظیفه دارد تا در مورد ساختار "اداره انتقالی"، و برنامه کاری این اداره پیشنهاداتی ارائه نماید.

4] یک جلسه اضطراری لویه جرگه بایست با هدف تایید این پیشنهادها دایر گردد.

5] در اخیر بایست لویه جرگه دومی به غرض پذیرش قانون اساسی دایر گردد که از طرف یک کمیسیون تسوید شده است. [5]

همین طرح در نشست پترزبرگ بمثابة مسوده پیشنهادی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت. گروه کار براهیمی در پترزبرگ متشکل از 11 تن بوده که در کنار احمد فوزی بمثابة سخنگوی ورزیده، برنت روبین، کارشناس سیاسی، اشرف غنی و فاطمه ضیایی، کارشناسان افغانی تبار به حیث مشاورین براهیمی در پترزبرگ حضور داشتند. [6]

4. روند دشوار نشست پترزبرگ

به تاریخ 27 ام ماه نومبر سال 2001 به دعوت سازمان ملل متحد، تحت شرایط اکید امنیتی، نشست چهارگروه افغانی در تالار پترزبرگ - در جوار شهرین - دایر گردید.

قبلا داکتر عبدالله عبدالله، وزیر خارجه دولت اسلامی افغانستان در یک مصاحبه با Allgemeine Frankfurter Sonntagszeitung، جریده پر تیراژ جمهوری فدرالی المان از نشست پترزبرگ بمثابة یک گام مهم در راه یک نظام سیاسی دوامدار یاد نموده و خواهان اشتراک نمایندگان تمام اقوام افغانستان درین نشست شده بود. [7] قبل از آغاز نشست، سازمان ملل متحد نیز اظهار امیدواری نموده بود، تا کنفرانس بن زمینه سازی یک حکومت چندین ملیتی در سرزمین هندوکش گردد. [8] حامد صدیق، مشاور محمد ظاهر، پادشاه اسبق افغانستان قبل از آغاز نشست بن گفته بود که " ما با یک احساس خوب به بن میرویم. ما امیدوار هستیم که به امری دست یابیم که برای مردم و سرزمین افغانستان مفید و کارا باشد" [9]

قبل از آغاز کنفرانس یوهانس راو، رئیس جمهور وقت آلمان فدرال در پیام خویش از هیئت های افغانی تقاضا نمود تا باهم مصالحه نموده و برای به پیروزی رساندن این کنفرانس سهم سازنده ای بگیرند.

در آغاز لخصر براهیمی، پیام کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل متحد را به خوانش گرفت. عنان این کنفرانس را که به هدف صلح و آشتی میان افغانها دایر گردیده بود؛ فرصت تاریخی برای آینده افغانستان خواند [10] کوفی عنان اظهار امیدواری نموده که نشست پترزبرگ زمینه ساز یک دور

جدید در تاریخ افغانستان گردیده، عصر صلح، همسویی و روابط حسنه با کشور های همجوار و عصر دولتمداری بر پایه های حقوقی و رفاه روزافزون برای تمام شهروندان آن کشور گردد. سردبیر سازمان ملل گردهمایی پترزبرگ را آغاز یک فرصت بزرگ تاریخی برای ایجاد صلح و آشتی ملی دانسته و خاطر نشان نمود، که اشتباهات گذشته نباید تکرار گردد.[11].

یوشکا فیشر؛ وزیر خارجه وقت آلمان فدرال، به نقش تاریخی این نشست جهت برآورده ساختن ضرورت تاریخی تشکیل یک اداره موقت، آنهم با زیربنای گسترده سیاسی و توجه به رعایت حقوق بشر اشاره نمود.[12] وی افزود که اکنون فرصت آن فرار رسیده است تا در راه بازسازی کشور از تمام امکانات بین المللی استفاده کرد. فیشر در جلسه، خطاب به اشتراک کنندگان گوشزد نمود، که هیچکسی نه ارزو دارد و نه میتواند که مسوولیت نمایندگان افغانی را بر دوش گیرد. دست بدست هم دهید و به یک مصالحه واقعی ملی ببیونید.

در مرحله نخست این همایش، با توجه به اختلافات گسترده میان این گروهها – از قبیل اختلافات قومی و تفاوتها در خطوط فکری – رسیدن به یک راه حل سیاسی مناسب و درخور افغانستان، خیلی ها مشکل به نظر می رسید. با وجود آن، پس از نشست های دور و دراز، این گروهها به تاریخ پنجم ماه دسمبر در پای "توافقات بن" صحنه گذاشتند. چنین امری به روشنی بیانگر تغییر ذهنیت جنگی آنان پنداشته شده می توانست.

اعضای گروههای چهارگانه گویا بعد از تجارب تلخ تاریخی به این نظر رسیده بودند که معضله افغانستان راه حل نظامی ندارد. ناگفته نباید گذاشت که فشارهای سیاسی لازم – به خصوص در پشت پرده – نقش به سزایی در رسیدن به این توافقات داشته اند.

در این میان در درون کشور هم دیگر گونیهایی مهم سیاسی و نظامی به وقوع پیوسته بودند. ملیشه های طالب از شهرهای بزرگ کشور رانده شده بودند و شبکه القاعده نیز صدمات شدیدی دیده و عقب نشینی کرده بود. در مقابل " جبهه متحد ملی برای نجات افغانستان " مجدداً به کابل داخل شده و زمام حکومت را در دست گرفته بود.

4.1. گروه چهارگانه در نشست پترزبرگ

1] گروه روم

این گروه از هواداران محمد ظاهر- پادشاه سابق افغانستان – تشکیل گردیده و جمعاً 19 نفره پترزبرگ اعزام نموده بود. از جمله 11 تن آنها به حیث نمایندگان این گروه رسماً در کنفرانس پترزبرگ شرکت نمودند.

اعضای مهم این گروه عبارت بودند از: عبدالستار سیرت، سابق استاد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل، که در عین زمان ریاست هیئت را نیز بردوش داشت. عزیزالله واصفی وزیرزراعت در زمان حکومت اقتدارگرای محمد داود و امین فرهنگ، سابق استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل نیز از اعضای مهم گروه به شمار می رفتند [13]

عبدالستار سیرت به مثابه نماینده محمد ظاهر گفت که باید از همه اول به اراده مردم افغانستان ارج گذاشته شود. سیرت پشتیبانی خویش را از تشکیل یک حکومت فراگیر اعلام نموده و افزود که باید تلاش نمود تا هرچه زودتر در راستای بازسازی کشور گام برداشت. [14]

2] گروه پیشاور

از آنجایی که این گروه از پیشاور آمده بود، به همین نام مسمی گردید. اعضای مهم این گروه عبارت بودند از: سید حامد گیلانی، رئیس هیئت، انورالحق احدی، رئیس حزب افغان ملت و حفیظ الله آصف محسنی، پسر شیخ محمد آصف محسنی. از جمله هفت نفر از اعضای این گروه، سه تن آنان رسماً در کنفرانس پترزبرگ شرکت کردند.

گیلانی به نمایندگی از "کمیسیون صلح و وحدت ملی" حملات دهشت افگنی در واشنگتن و نیویارک را تقبیح نموده و در افغانستان بر برقراری "صلح عادلانه" صحه گذاشت. سخنگوی گروه پیشاور به نوبت خویش از تشکیل یک حکومت فراگیر پشتیبانی نموده و قول داد که گروه پیشاور درین راستا همکاری مینماید.

3] گروه قبرس

نام این گروه به همایش هایی برمی گردد که عده ای از افغانها در قبرس تشکیل داده بودند. درین همایش ها در پس پرده "حزب اسلامی افغانستان" نقش مهم ایفا مینمود.

اعضای مهم این گروه عبارت اند از: همایون جریر، داماد گلبدین حکمتیار- امیرحزب اسلامی افغانستان- و رئیس هیئت، داکتر جلیل شمس و داکتر عزیزالله لودین، دوتن از روشنفکران افغانی که در جنبش مقاومت با وظایف گوناگون حضور داشتند. این گروه ده نفر به کنفرانس پترزبرگ اعزام نموده بود که از جمله سه تن آنان رسماً عضویت کنفرانس را یافتند.

همایون جریر به مثابه نماینده گروه قبرس گفت که وضع رقتبار ملت افغانستان نیاز به تامین صلح را روشن میسازد. او اظهار امیدواری نمود که برای بیرون رفتن از معضله افغانستان و از طریق تشکیل یک حکومت فراگیر به یک راه حل سیاسی اصولی برسند.

4] "جبهه متحد"

نام این گروه مشتق از "جبهه متحد برای نجات افغانستان" است. این گروه برعکس سایرگروه های فوق مستقیماً از درون افغانستان به کنفرانس آمده بود. از جمله 26 نفر هیئت اعزامی این گروه 11 تن آنان به حیث نمایندگان رسمی در کنفرانس برگزیده شدند.

ریاست هیئت جبهه متحد را یونس قانونی، یک تن از اعضای فعال "شورای نظار" برعهده داشت. قانونی حین افتتاح جلسه گفت که آنها به حیث قهرمانان جنگ به بن آمده اند و می خواهند به مثابه قهرمانان صلح دوباره به کشور برگردند. قانونی از تلاش های ملل متحد، که زمینه گفتگوی صلح را آماده ساخته است، قدر دانی نمود. به نظر وی افغانستان دارد آهسته آهسته به صلح نزدیک میشود. قانونی تاکید نمود که آنها به توزیع قدرت سیاسی با گروه های دیگر حاضر بوده و در راه ایجاد یک حکومت فراگیر همکاری مینمایند. قانونی طی سخنرانی اش افزود که احمد شاه مسعود، "رهبر جبهه متحد" همیشه تاکید می نمود که باید در راه صلح تلاش نموده، حاکمیت ملی را به خود مردم سپرده و حکومت فراگیر و متشکل از تمام اقوام تشکیل دهند.

در نتیجه هیئت های افغانی پس از هشت روز نشست پیهم، بعضاً آکنده از مواضع متضاد و گاهی هم در یک جو پرتنش، سند تاریخی ای را امضا نمودند که به "توافقات بن" شهرت یافت.

4.2. موانع ناشی از پیشینه تاریخی

4.2.1. نظام ریاست جمهوری در رویارویی با بازگشت سلطنت

مشکل ترین مسئله ای که نمایندگان چهارگروه با آن روبرو شدند، در مرحله نخست موضوع "بازگشت سلطنت" بود. گروه های غیرپشتون در "بازگشت سلطنت" تداوم قدرت گرایی پشتونها را دیده و از این جهت با آن به مخالفت پرداختند. نمایندگان پشتون با در نظر داشت گذشته های تاریخی که در سده های گذشته پادشاهان و حکمرانان از اهالی پشتون بوده اند، به توجیه نظریه تاریخی حاکمیت پشتونها پناه می جستند. در راستای عدم برگشت سلطنت گروه های غیر پشتون از پشتیبانی ایالات متحده امریکا، روسیه، ایران و پاکستان، البته با علل مختلف برخوردار بودند. از آنجاییکه مشاورین سیاسی ایالات متحده امریکا پیرامون نظریات جبهه مقاومت علیه گروه طالب و معضله "سلطنت موروثی" مطلع بودند، از بدو امر دروازه برگشت پادشاه سابق را بمتابه "وارث تخت و تاج" در کابل بشکل قاطع بسته بودند. روسیه به نوبت خویش و در پشتیبانی از مواضع نیروهای ضد طالبی با بازگشت سلطنت، که در بر انداختن آن اتحاد شوروی بمتابه سلف روسیه فدرالی با سیاست های نفوذی خویش نقش مهم داشت، به مخالفت اشکار اقدام نموده بود. ایران، هم نظر به جو سیاسی خاص با بازگشت "نظام سلطنتی" از نگاه اصل سیاسی مخالف بود. همچنان همسوی با گروه مقاومت ضد طالبی و صیغه ضد دینی "نظام شاهی" و بخصوص برای جلوگیری از برگشت شاهان، تهران مواضع روشن در قبال عدم پذیرش "نظام ظاهرشاهی" اتخاذ نموده بود. ولی پاکستان در یک مخصمه خاص قرار داشت: نظر به سوابق تاریخی که اسلام آباد از بدو تاسیس پاکستان در سال 1947 باینسو با حکومت "پشتون" و دیوان سالاران آن نظام سخت در جدال های سیاسی قرار داشت، پاکستان با نظام شاهی در تضاد قرار داشت. وزارت خارجه پاکستان این حلقه های افغانی را هواداران سرسخت

عدم پذیرش "مرز سرحدی دیورند" تشخیص کرده بود. در عوض به گرو ههای پشتون تباری که "پیمان دیورند" را با تعبیرا سلام آباد قبول نمایند، تکیه میزد. از همین جاست که گلب ا الدین حکمتیار، که زمانی از تشکیل "کنفدراسین افغانستان و پاکستان" صحبت مبنمود، مورد پشتیبانی پاکستان قرار داشت. همچنان گزوه طالب بمثابه ابزار سیاسی اسلام آباد مسئله مرزی را در لفافه "امت اسلام" پیچیده وحتی از تذکرآن طفره می رفت.

از سوی دیگر حلقه های مقاومت ضد گروه طالب و حامیان بیرونی آنها با اشغال کابل و ادعای برهان الدین ربانی بمثابه رییس جمهور دولت اسلامی افغانستان "ورقه ظفر" در آستین داشتند، که مورد تبادل قرار گرفته میتوانست. قبل از آغاز نشست بن، ربانی در یک مصاحبه با Corriere Della Serra ، روزنامه معتبر ایتالیایی با صراحت تام گفته بود: " افغانستان از خود دارای یک حکومت بوده و من رییس جمهور آن هستم." [15] ولی این موقف ربانی را نیرو های متنفذ ضد طالبی، حتی در بین خود جمعیت اسلامی در صورت یک راهیافت مناسب سیاسی مورد پرسش قرار میدادند. حتی سه روز قبل از آغاز نشست بن، احمد ولی مسعود، شارزدافیر دولت اسلامی افغانستان در بریتانیای کبیر درجریده هندی Hindustan Times گفته بود که ربانی نمیتواند که موقف رسمی قبلی خویش را در دولت جدید کشور دوباره احراز نماید.[16] مسعود افزوده بود که با وجود آنکه ربانی در کابل حضور دارد، جبهه متحد دارای یک شورا میباشد، که در مورد تصمیم اتخاذ می نماید.

بلاخره در "مصالحه تاریخی" در ازای اینکه برهان الدین ربانی از سمت ریاست جمهوری صرف نظر کند وبه محمد ظاهر - پادشاه سابق در آینده یک نقش نمادین داده شود، راه حلی پیداشد که همه گروه ها دست کم در ظاهر امر با آن همراه شدند.

4.2.2.. تلاش های گسترده برای زعامت حامد کرزی

مشکل دوم و هنوز هم غا مضتر در احراز کرسی اداره موقت مطرح بود. مهمترین گام زمانی برداشته شد که بنا به پیشنهاد ایالات متحده امریکا ودرپشت پرده اشرف غنی، فاطمه ضیایی وزلمی خلیلزاد - به حیث مهندسان افغانی تبار طرح پترزبرگ - با گروه چهارگانه درمورد حامد کرزی به مثابه رئیس "اداره موقت" توافق حاصل کردند. قبل از آن دراین مورد روسیه ، ایران وپاکستان نیز رای مثبت داده بودند. درنتیجه برای حامد کرزی به حیث رئیس اداره موقت، پنج معاون و 24 عضو اداری [حکومت] تعیین گردید.

با درنظر داشت ساختار قومی کشور وتاریخ "نظام شاهی ارثی" ناشی از حاکمیت درانی ها، مسئله "زعامت" اداره موقت نقش کلیدی را بازی مینمود. درین راه جمز دوبنز (James Dobbins)، نماینده ویژه ایالات متحده امریکا، قبل از دایر نمودن نشست پترزبرگ زمینه سازی نموده بود. پس از ورود قوای "جبهه متحد" در کابل بتاریخ 13 نومبر سال 2001، جمز دوبنز فرصت راغنیمت شمرده و به اسرع وقت با عبدالله عبدالله، وزیر خارجه دولت اسامی افغانستان به مذاکرات عمیق آغاز نمود.[17]. درین مذاکرات عبدالله از یک طرف به نیاز گسترش پایه های قومی حکومت کابل

اشاره کرده از سوی دیگر با برداشتن یک گام بیشتر گفته بود که "زعیم آینده کشور باید یک پشتون" باشد [18] در رابطه با اینکه آیا محمد ظاهر شایسته این کرسی می باشد و یاخیر، عبدالله اسرار ورزیده که "زعیم آینده کشور" باید جوان بوده و از نیروی کافی برخوردار باشد، تا بصورت واقعی کشور را رهنمایی کرده و امور حکومتی را به پیش برده بتواند. در جواب پرسش جمز دوبنز که آیا او شخصی را با این صفات سراغ دارد، عبدالله بدون تعلل اظهار داشته که حامد کرزی میتواند یک گزینه قابل پذیرش باشد. [19] درین راستا عبدالله اطمینان داده که یونس قانونی، وزیر داخله و جنرال قسیم فهیم، وزیر دفاع با وی همنظر میباشند.

پیش از اظهارات عبدالله در مورد زعامت کرزی، جمز دوبنز در سفر خویش پس از تاریخ 13 نومبر نخست به روم و بعد در انقره با احمد سیزار، رییس جمهور ترکیه مذاکره کرده بود. سیزار فشرده ی صحبت هایی را که با عبد الرشید دوستم، برهان الدین ربانی و پرویز مشرف انجام داده بود، با دوبنز در میان گذاشت. ترکیه با انعقاد نشست مشترک افغانها موافقه نموده و لی افزوده بود که این نشست نباید در کشوری باشد که زمانی گروه طالبان را برسمیت شناخته است. مراد وی درینجا پاکستان، امارات متحده عرب و عربستان سعودی بوده است. باساس گفته دوبنز ترکیه نخستین کشوری بوده که حامد کرزی را یک نامزد مناسب برای رهبری حکومت آینده افغانستان خوانده است. [20]

تلاش های جمز دوبیز در راستای راه حل سیاسی برای معضله افغانستان در مورد پاکستان با مشکلات زیادی مواجه بودند. در حالیکه حکومت پرویز مشرف و بوژه وزارت خارجه آنکشور با تعلل و خورده کاری به انکشاف اوضاع در افغانستان مینگرستند، استخبارات آنکشور [ISI] در مورد زعامت آینده افغانستان مواضع روشن اتخاذ نموده بود. احسان الحق، رییس استخبارات پاکستان بمنابه دومین حلقه، گزینش حامد کرزی را قابل پذیرش برا پاکستان خوانده است. [21] از آنجاییکه احسان الحق میدانست که حامد کرزی از پشتیبانی واشنگتن بر خوردار می باشد، اظهارات وی درین راستا میتواند که در جهت خوانش همسویی با ایالات متحده امریکا تعبیر شود.

جمز دوبنز در آغاز نشست پترزبرگ در مذاکرات خویش که با لمبا [S.K.Lamba]، رییس هیئت هندی و ضمیر کابل [Zamir Kabulov]، رییس هیئت روسیه فدرالی انجام داده بود، هر دو دیپلومات نظرات مثبت در مورد زعامت کرزی ارائه نموده بودند. [22] همزمان به آن دوبنز با همراهی خلیل زاد، عضو هیئت وزارت خارجه امریکا در پترزبرگ با جواد شریف، رییس هیئت جمهوری اسلامی ایران در پترزبرگ به مذاکره نشست و خواهان نظر وی در مسئله زعامت آینده افغانستان شدند. جواد شریف اظهار داشته بود که در تهران به حامد کرزی به نظر خوب نگریسته شده و وی مورد قبول آنها خواهد بود. [23] درین جا باید افزود که جمز دوبینز به دو مورد اشاره می نماید که در آن مواضع ایران را سازنده و مترقی وانمود مینماید. نخست اینکه پس از تهیه خاکه پیمان توافقات بن جواد ظریف به فقدان تذکر انتخابات مردم سالاری در توافقات انگشت گذاشته است. از آنجاییکه واشنگتن تا این لحظات برای افغانستان از حکومت فراگیر پشتیبانی میکرد، با مواضع ایران درین راستا موافقه نمود. دوم اینکه هیئت ایرانی به مسئله "دهشت افگنی" اشاره کرده و پرسیده بود که آیا حکومت آینده افغانستان درین رستا با نیروی های بین المللی نبایست همکاری نماید؟ این نکته هم بدون چون و چرا مورد پسند جمز دوبنز قرار گرفته است. [24]

پس از توافقات گسترده در مورد زعامت کرزی و پذیرش وی از طرف جبهه متحد، گروه قبرس و گروه پیشاور مشکل دیگر در مواضع گروه روم بروز کرد. این گروه عبدالستار سیرت را بحیث زعیم حکوت آینده پیشنهاد می کرد. با وجود شایستگی سیرت درین مقام، که در پترز برگ در آن شک و تردیدی وجود نداشت، مسئله وابستگی تباری سیرت بزرگترین مانع پنداشته می شد.

به نظر گردانندگان نشست پترزبرگ، زعیم آینده می بایست حتما "پشتون تبار سچه" باشد که حامد کرزی ازین امتیاز برخوردار بود. ولی سیرت با داشتن پدر ازبک و مادر پشتون، فاقد این شاخص بود. پس از مذاکرات گسترده با شخص سیرت، با اعضای دیگر گروه روم و بالآخره مذاکرات تلفونی که خلیل زاد با شاه سابق در روم انجام داد، سرانجام سیرت، که از پشتیبانی عربستان سعودی برخوردار بود، عقب نشینی کرد. باین تریب زمینه برای کرزی آماده گردید. [25]

در اخیر دوبنز در جریان نشست پترزبرگ همیشه با حامد کرزی تلفونی تماس بر قرار نموده و او را در جریان اوضاع و انکشافات قرار می داد. به گفته دوبنز کرزی با زبان انگلیسی فصیح و با کمی لهجه هندی که محصول تحصیلات وی در هند بوده، صحبت مینمود. از همین نگا زمانی که دوبنز موضوع پذیرش وی را بمتابه زعیم آینده افغانستان با او در میان گذاشته، برای کرزی شگفت آور نبوده است و با تایید آنی او همراه گردیده است. [26]

پس از توافقات همه جانبه در مورد کرزی به متابه رییس اداره موقت، تعیین اعضای این اداره به نوبت خود از پیچیدگی های سیاسی و نازک خیالی های افغانی خوردار بود. نیرو های غیر پشتون با شماره باینکه در راستای زعامت امتیازات گسترده ای برای طرف دیگر قایل شده اند، اکنون تلاش می نمودند که از طریق کسب کرسی های کلیدی دست آورد های بیشتری داشته و جبران نرمش پذیری های خویش را کرده باشند. در مقابل گروه مشاورین براهیمی و وزارت امور خارجه امریکا در همسویی با نیرو های هواداران نظرسیاسی نقش تاریخی مهم پشتون ها در جتهی کار میکردند که تا هیچ طرف بیشتر از نصف کرسی ها را اشغال نه نماید. ولی از نگاه شکلیات از یکطرف شاخص های آفاقی از قبیل کفایت مسلکی و پاک بودن وازسوی دیگر شاخصی فرقه ای، قومی ومذهبی وهمچنان نقش زنان درج توافقات بن گردیدند. [27].

4.3. محتویات "توافقات بن"

4.3.1. اعلام مواضع گروه چهارگانه

بتاریخ 5 دسمبر لخصر براهیمی آخرین نشست پترزبرگ را با چهره خندان و لبان متبسم افتتاح نمود. پس از ادای تعارفات، رشته سخن را به نمایندگان گروه چهار گانه سپرده تا روسای این حلقه مواضع خویش را درمورد نتایج نشست پترزبرگ که به "توافقات بن" شهرت یافت، ارائه دارند.

به متابه یک افغان و به حیث نماینده پادشاه سابق افغانستان، سیرت از برگزاری نشست پترزبرگ در جمهوری فدرالی المان اظهار تشکر نموده و آنرا "یک فال نیک، یک آغاز نیک و یک امید نیک"

خواند. [28] به تاسی از گفتار سیرت "مسئله افغانستان ناشی از فراموشی جهانیان بوده است" به نظر وی اکنون جهانیان متوجه این گردیده اند تا مسئولیت خوش را در قبال " یک ملت مظلوم ولی شجاع" ایفا نمایند.

گیلانی به نوبت خود و در اظهارات خویش با تایید سخنان سیرت از براهیمی اظهار امتنان نمود که در اثر تلاش های متواتر خویش در راستای زمینه سازی یک افغانستان مستقل، آزاد و آرام گام های جدی بر داشته است.

همایون جریر به نمایندگی از گروه قبرس پس از تشکر از حضار اظهار مسرت نمود که بعد از مذاکرات طولانی، افغانها توانستند که به یک توافق برسند. وی افزود. "من انعقاد این توافق میمون را به همه مبارک میگویم." او اظهار امیدواری نمود که توافقات بین مشکل جاری افغانستان را حل نموده و مردم آن کشور شاهد صلح و آزادی گردند. جریر اضافه نمود " ما باین عقیده هستیم که این قرارداد در صورتی امکان تطبیق دارد که از حمایت جهانیان برخوردار باشد." ، جریر در راه تطبیق توافقات بن وعده همکاری داد. [29]

یونس قانونی، رییس هیئت جبهه متحد پس از سپاس افزود " اگر تلاش های براهیمی و وندریل نمی بود، ما امروز شاهد این قرارداد نمی بودیم" او افزود اگر امضای این قرارداد افتخار برای جامعه بین المللی باشد، موسسه ملل متحد و جمهوری فدرالی المان با ما شریک هستند. قانونی گفت " ما از آغاز تصمیم داشتیم و نیت ما این بود که پس از دوران جنگ قهرمان صلح و تامین کننده آن در افغانستان باشیم. ما در آغاز اعلان کردیم و وعده دادیم که به حقوق بشر، دموکراسی و حقوق زن باور داریم، به همه وفا کردیم. توقع مردم افغانستان از جهانیان این است که از ملت افغانستان پشتیبانی کنند." [30]

"4.3.2. حق تعیین سرنوشت بدست خود مردم"

توافقات بن " در چهارده صفحه؛ دارای یک بخش اصلی و سه ضمیمه می باشد. در آغاز این سند تاریخی، این حق مردم افغانستان به رسمیت شناخته می شود که بر مبنای اسلام، دموکراسی، کثرت گرای و عدالت اجتماعی آینده سیاسی خویش را خود شان با آزادی تمام تعیین نمایند. در حین زمان بر عدم وابستگی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان صحه گذاشته میشود. تا زمانیکه نیروهای امنیتی در خود کشور تشکیل و مسئولیت تامین امنیت را بر دوش می گیرند، با اشاره به ضمیمه اول توافقات، تامین امنیت در سر زمین هندوکش از طرق دیگر موضوع بحث قرار می گیرد.

به اساس توافقات بن "اداره موقت" متشکل میباشد از "حکومت موقت"، " یک کمیسیون ویژه و مستقل" برای دایر کردن "لویه جرگه فوق العاده"، و "دادگاه عالی" در 22 دسمبر 2001 روز تحویل قدرت به " اداره موقت" تعیین می گردد. پس از تحویل قدرت سیاسی در ظرف شش ماه آینده تدویر لویه جرگه در نظر گرفته شده، که از طرف " اعلحضرت محمد ظاهرشاه" افتتاح می گردد. این جرگه فوق العاده در مورد "اداره انتقالی" به شمول "حکومت انتقالی" با قاعده وسیع و تکیه بر

اساساتی تصمیم اتخاذ می نماید که حکوت انتقالی از طریق انتخابات آزاد و منصفانه به تشکیل حکومت آینده بمثابه نماینده مردم موفق گردد. این امر باید در ظرف دوسال پس از تدویر جرگه به وقوع بپیوندد. هژده ماه پس از تشکیل "اداره انتقالی" "لویه جرگه قانون اساسی" دایر می گردد. به غرض تهیه قانون اساسی، اداره انتقالی دو ماه پس از تشکیل، با همکاری سازمان ملل متحد یک کمیسیون تسوید قانون اساسی را فرا میخواند.

در بخش های بعدی "توافقات بن" جزئیات وظایف، مکلفیت ها و شیوه کار اداره موقت، اداره انتقالی و کمیسیون های اختصاصی تعیین و فورمله می شوند.

4.3.3 . تدابیر پیشگیرانه اقتصادی و امنیتی

یکی از ویژگیهای "توافقات بن" در این نهفته است که درکنار راه حل سیاسی یعنی تعیین "اداره موقت" ، تصویب یک قانون اساسی و در اخیر انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، برای ثبات بخشیدن به اوضاع سیاسی و اقتصادی، تدابیر اقتصادی و امنیتی نیز اتخاذ گردید.

سازمان ملل متحد از آغاز بر این موضوع آگاه بود که افغانستان به حیث کشوری که در مدت بیش از دو دهه در اثر جنگهای خانمانسوز به تل خاک مبدل شده است، خود فاقد امکانات مالی برای بازسازی و نوسازی اش می باشد. بنابراین کنفرانس هایی در توکیو و برلین در نظر گرفته شدند تا کشور های کمک کننده به طور مشخص و جایب مالی ای را بردوش گیرند و در جهت تحکیم صلح و ثبات گامهای اقتصادی بردارند .

درکنار این کمکهای اقتصادی، طراحان " توافقات بن " بر این نکته هم آگهی داشتند که جهت تامین یک آرامش نسبی نیاز به اعزام قوای امنیتی می باشد. از همین رو شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ بیستم دسمبر سال 2001 – دوز قبل از آغاز کار اداره موقت – به فرستادن " نیروهای بین المللی برای کمک به حفظ امنیت در افغانستان ISAF " توافق نمود. این نیروها نخست به شهر کابل محدود بودند، بعد تر توظیف آن در سرتاسر افغانستان زیر فرماندهی پیمان اتلانتیک شمالی – ناتو- گسترش یافت

6. ارزیابی انتقادی

کانفرانس پترزبرگ برای حل معضله پیچیده افغانستان از هر جهت یک نشست مهم و دارای اهمیت ملی ، منطقه ای و بین المللی بود. بیش از هزار تن از خبرنگاران تلویزیون، رادیو و جراید برای این نشست ثبت نام کرده و از کوینکز و نتر (Koenigswinter)، شهرکی در کنار تپه پترزبرگ گزارش می دادند. فرآیند صلح دموکراتیک در کشور کوهپایه های هندوکش با " توافقات بن" در مورد افغانستان پیوند ناگسستنی دارد.

1 نقش سازنده لخصر برای می

از همه نخست براهیمی با درک اوضاع حساس و تجارب قبلی که وی در این پست جمع آوری کرده بود، با قاطعیت خاص خودش عمل کرد. وی آگاهان سیاسی در امور افغانستان را در هیئت ملل متحد گرد آورده و از مشاورت های صاحب نظران حرفوی افغانی و غیر افغانی بر خوردار بود. کشور های حاضر در نشست پترزبرگ به نوبت خویش از کارروایی های سازنده این دپلمات با سابقه و مجرب الجزایری هم فرو گذاشت نکردند. در جریان نشست پترزبرگ، براهیمی به ویژه با جمز دوبنز، که به نوبت خود زمینه ساز فکر راه حل سیاسی پنداشته میشود، از نزدیک همکاری داشته و در امر پیشرفت راه صلح این دو دپلومات مکمل یکدیگر بودند. اگر دوبنز بخاطر پل زدن افکار متفاوت با نیرو های پس پرده در روم، کابل، تهران و ماسکو در تماس بوده، براهیمی به مثابه نیروی اجراییه در اتاق های جداگانه با گروه افغانی و مشاورین آنها به سرعت بخشیدن روند صلح در محل حادثه مشغول بود. در اخیر و با وجود پیشگویی های در مورد عدم پیروزی نشست پترزبرگ و به درازا کشانیدن آن، "توافقات بن" بیانگر باز نگری سیاسی و دگر گونی عملکردهای نیرو های حاضر افغانی در نشست پترزبرگ هم خوانده شده میتواند.

2) تنگ نظری سیاسی در انتخاب گروه ها

با وجود حضور رسمی گرو ههای پیشاور و قبرس، بازیگران اصلی صحنه در پترزبرگ گروه روم و جبهه متحد بودند. به دو گروه پیشاور و قبرس بمثابه حلقه های نیابتی و تحت تاثیر پاکستان و ایران نگریسته شده و ازین جهت آنها نقش پیرامونی بازی می نمودند. این دو گروه، حتی در مسئله توزیع قدرت سیاسی و کسب کرسی های اداره موقت دست خالی برگشتند. در نتیجه نشست پترزبرگ در واقع در انحصار دو گروه باقی مانده و باین ترتیب یک طیف گسترده دیگر افغانی ها، از نیرو های دموکرات و ملی تا گرو ههای چپ خرد گرای انتقادی، از اشتراک درین نشست آگا هانه محروم گردیدند. باین ترتیب جامعه ملل متحد تحت تاثیر افکار "آگاهان و مشاورین استخدام شده" بزرگترین فرصت تاریخی را از دست داد، تا از طریق تبادل افکار و آرا با یک قشر گسترده سیاسی و نخبگان دیگر اندیش در چارچوب مردم سالاری و عدالت اجتماعی سرنوشت آینده سرزمین هندوکش را رقم بزند.

3) مبارزه برای احراز کرسی های "اداره موقت" به نمایندگی از اقوام

در نشست پترزبرگ مشاهده گردید که افغانستان مانند گذشته ها هنوز هم جلوه گاه خواست های گروه های است که خود را نمایندگان منافع اقوام مختلف کشور معرفی می نمایند. در نتیجه معضله تقسیم و توزیع قدرت سیاسی در سطوح احراز کرسی های اداره موقت و اداره انتقالی از طرف کسانی مورد بحث قرار گرفت، که بنا بر گفته خود شان از اقوام مختلف نمایندگی می نمودند. درین رابطه این نکته قابل توجه است که سخنگویان هیئت های چهار گانه با وسواس ودقت زیاد از تذکر اصطلاحات قومی اجتناب ورزیده و در عوض در جریان مذاکرات به بکاربرد کلمه با "قاعده وسیع" و "حکومت فراگیر" پناه می بردند. این کلمات که در سخنرانیها و اعلامیه های همه گروه ها جایگاه مرکزی داشت، ظاهراً به مثابه در برگیرنده افشار و لایحه های گوناگون، احزاب سیاسی مختلف و بنیاد های متنوع از اکناف و گوشه های کشور افاده می گردید. ولی در برخورد های مشخص پیرامون احراز

کرسی ها بدون سو تفاهم و با کمال صراحت تقسم قدرت بین اقوام، آنها در وجود نمایندگان حاضر در نشست مطرح بحث قرار می گرفت. در یک مرحله معین این موضوع به اوج خویش ارتقا نموده، به ترتیبی که حاجی قدیر، عضو جبهه متحد به دلیل اینکه گویا "پشتون ها" از نمایندگی نسبی کمتر برخوردار می باشند، به شکل اعتراض نشست را ترک گفته و ار اشتراک بیشتر در جلسه قاطعانه اجتناب ورزید. ولی احدی، عضو گروه پیشاور و در همسویی با نظر حاجی قدیر با حوصله بیشتر مذاکرات را همراهی کرده اما در اخیر به مثابه یگانه نماینده از صحنه گذاشتن در پای "توافقات بن" ابا ورزید. درینجا باید افزود که طراحان "توافقات بن" با وجود تقسیم کرسی های اداره موقت در مورد احراز این کرسی ها با این اصطلاحات تکیه می زند: حکومت فراگیر، فاقد تبعیض مذهبی جنسی و چند قومی. علاوه بر آن در متن این سند تاریخی کفایت های مسلکی و آلوده نبودن اشخاص نیز در مورد احراز کرسی ها فورمله شده اند.

4] داد و گرفت سیاسی به نفع "مشروعیت مردم سالاری"

در نخستین نشست های دور و دراز پترزبرگ بازیگران سیاسی موفق گردیدند، تا در ازای صرف نظر کردن از کرسی ریاست جمهوری، که برهان الدین ربانی در اختیار خویش داشت، ادعای برگشت سلطنت ارثی را، که محمد ظاهر به مثابه پادشاه سابق آرمان آنها درس می پروراند، رد نمایند. این موضوع بحیث یک پدیده تاریخی و میراث گذشته ها برای آینده افغانستان داری اهمیت فوق العاده مهم تلقی می گردد. از سال 1747 با ینسو، یعنی از زمان تهداب گذاری سلطنت درانی ها در قندهار، شاهان و امیران پشتون تبار ممثل حاکمیت سیاسی در کابل بوده اند. این موضوع منجر به آن گردیده بود که کسب تخت و تاج در کابل با اساس "مشروعیت تاریخی" به یک «نظام سلطنتی ارثی» تبدیل گردیده و با وجود دگر گونی های اجتماعی و زور آزمایی های همیشگی بین عشیره های مختلف پشتون تبار قدرت سیاسی در انحصار درانی ها قرار داشت. با پیروی ارین پدیده تاریخی بخشی از پشتون تبار ها گویا "ادعای تاریخی" خویش برای کسب قدرت سیاسی را اشتقاق کرده و در نتیجه اقوام دیگر را فاقد "کفایت و شایستگی" زعامت می خواندند. از سوی دیگر نظر به دگرگونی بنیادی اوضاع اجتماعی و سیاسی در کشور، به ویژه در زمان مقاومت ضد نیرو های مهاجم شوروی، برهان الدین ربانی به مثابه یک تاجیک از مبارزات سیاسی- نظامی عجالتا پیروز برآمد. ولی ربانی با تدویر شورای حل و عقد، در اوایل سال 1993 مسئله "قیادت سیاسی" را با "مشروعیت دینی" آراسته ساخته و خود را رییس جمهور "دولت اسلامی افغانستان" اعلام نمود. اکنون داد و گرفت سیاسی که در پترزبرگ صورت گرفت و منجر به عدم برگشت سلطنت و چشم پوشی ربانی از کرسی ریاست جمهوری گردید، از زاویه "توجیه قیادت" دارای اهمیت عمیق تاریخی خوانده شده می تواند. آر آنجایی که در توافقات بن قدرت سیاسی با "مشروعیت مردم سالارانه" فورمله شده است، باین ترتیب طراحان نشست پترزبرگ از یک سو ادعاهای "توجیه تاریخی" را نفی کرده و از سوی دیگر و همزمان در رد "مشروعیت دینی" حاکمیت گام برداشتند. مشروعیت مردم سالاری" قید در "توافقات بن" ازین نگاه بزرگترین دست آورد تاریخی این نشست پنداشته شده می تواند. ولی اگر عوض لویه جرگه عنعنوی برای تدویر قانون اساسی، در مورد جزئیات قانون اساسی پارلمان انتخابی از طریق رای آزاد و منصفانه تصمیم اتخاذ می نمود، این دست آورد تاریخی هنوز هم از جایگاه بلندتر تاریخی برخوردار می گردید.

5] "زعامت کرزی بیانگر نرمش پذیری الزامی

اینکه، با وجود دشواری های سیاسی حامد کرزی در ظرف چند روز نشست پترزبرگ به حیث زعیام اداره موقت تعیین گردید، یک مسئله تصادفی نبوده بلکه برخلاف، نظر به یک سلسله عوامل مشخص سایه "همای بخت" بر سر وی افتاد.

نخست از همه حامد کرزی از اوایل سال های هشتاد، یعنی زمانیکه وی پس از تحصیلات علوم اجتماعی از هندوستان به پاکستان برگشت، به مثابه یک جوان روشنفکر و تحصیل کرده افغانی در صف مقاومت کنندگان نزد سفارت ایالات متحده امریکا در پاکستان از وجهه خوبی برخوردار بود. حامد کرزی در دور مقاومت افغانها علیه نیرو های اشغالگر شوروی از یکطرف روابط خویش را با قونسلگری امریکا بشکل روز افزون محکمتر نمود و از سوی دیگر با سازمانهای پیشاورنشین افغانی پیوند های سیاسی بهم رسانیده بود. گرچه که حامد کرزی در پیشاور با "جبهه نجات ملی" مربوط به صبغتالله مجددی همکاری نزدیک داشت، ولی رشته های افهام و تفهیم خویش را نظر به روابط گذشته با پادشاه سابق افغانستان تا روم تنیده بود. پس از قتل عبدالاحد کرزی، پدرش در جولای سال 1999 در شهر کوئته پاکستان، روابط خانواده کرزی با پاکستان تیره گردید. حامد کرزی دست به انتقادات علنی علیه حکومت نظامی آن کشور زد. در اواخر ماه فبروری سال 2001، روزی در اتاق کارم در شهر کلن جمهوری فدرالی المان نشسته بودم، که تلفون به صدا در آمد. در انطرف حامد کرزی به مثابه صدای آشنا پس از تبادل تعارفات در مورد آخرین اظهارات جنرال پرویز مشرف در قبال پشتیبانی از گروه طالب به حیث یک حلقه پشتون به مذاکره آغاز نمود. با در نظر داشت اهمیت که این موضوع در آنزمان از آن برخوردار بود، من خواستار نظر وی درین رابطه شدم. با شناخت قبلی که بویژه از نشست افغانها در بن در سال 1998 از هم داشتیم، حامد کرزی با صراحت تام اظهارات پرویز مشرف، رییس حکومت نظامی پاکستان را سخت تقبیح نموده و آن را مداخله در امور داخلی افغانستان خواند. با همین روحیه روز دیگر با وی در پاریس مصاحبه تلفونی انجام داده و از طریق برنامه پشتوی بخش افغانستان رادیوی دویچه وله صدای المان پخش گردید. پس از آن زمینه فعالیت سیاسی و حتی گشت و گذار شخصی در پاکستان برکرزی تنگ و تنگتر گردید.

با وجود درک سیاسی شخص کرزی و اهمیت خانواده پدری وی بحیث قوم متنفذ پوپلزی در کرز، دهکده ای در جنوب شهر قندهار، حامد کرزی تا چندی قبل از حملات هوایی امریکا بر پایگاههای نظامی گروه طالب، از تشکیل یک سازمان مشخص سیاسی همیشه دوری جسته بود. گرم جوشی در روابط شخصی، انعطاف پذیری سیاسی توأم با نفوذ قومی سبب گردیده که حامد کرزی در یک بعد گسترده با گروهها و حلقه های مختلف سیاسی و اجتماعی تماس برقرار نماید.

ازینکه کرزی مورد پسند سازمان های سیاسی و به خصوص جبهه متحد قرار گرفت، علت آنرا نیابست در "کفایت های" شخصی وی جستجو کرد. با وجود همه توان مندی های که کرزی از آن برخوردار بود، وی به مثابه یک سیاستمدار قطار دوم محسوب می گردید. اینکه جبهه متحد به زعامت وی تن در داد، ناشی از این نکته بود که وی فاقد سازمان سیاسی خودش همچنان فاقد قوای مسلح مربوط به خودش خوانده می شد. در جو سیاسی-نظامی حاکم آنزمان تصور می شد، که شخصی

را با این صفات میتوان در صورت لزوم به زودی از "کرسی زعامت" پایین کشید. البته این موضوع در افغانستان بدون سابقه هم نیست. چنانچه پس از آنکه سازمان های قوی مجاهدین در اواخر ماه اپریل سال 1992 در مورد زعامت در کابل به موافقه نرسیدند، بالآخره صبغت الله مجددی را بحیث حلقه ضعیف برای زعامت دو ماهه تعیین کردند. هرزمانی که نیرو های رقیب و قوی در رویاروی باهم سد راه یکدیگر قرار بگیرند، قره بنام شخص ضعیف و سومی زده می شود. که این بار کرسی بهترین نمونه آنرا تمثیل می نماید.

انکشاف اوضاع بیانگر این نکته می باشد که "توافقات بن" و ضمایم آن باوجود خلاءها و ضد و نقیض بودن هایش، در عمل به حیث یک رهنمود سیاسی پیاده شده است. طرح چنین نسخه سیاسی ای خیلی ضروری و مفید بود. اما با در نظر داشت وضع حاکم موجود در افغانستان و با تعمق به تشتت سیاسی درون کشور، راهبردهای متضاد کشورهای همجوار و خواستههای متفاوت جامعه بین المللی، این نسخه پاسخگویی همه نکات نبوده است. فقر روز افزون، فساد اداری، اقتصاد مواد مخدر و پیکارجویی های روز افزون، همه آن چالشهای بزرگ سیاسی می باشند که کرسی نشینان حکومت حامد کرزی به مشکل می توانند از عهده حل و فصل آنها برآیند.

رویکردها:

[1] نویسنده به هنگام نشست چهارگروه افغانی در پترزبرگ از نزدیک شاهد اوضاع و مذاکرات بین المللی افغانی بوده است. وی خاطرات خود را از این حادثه در آخرین بخش کتابش به رشته تحریر آورده است. نبشته موجود در بر گیرنده بخشی زیادی از این نوشته میباشد

S.M. Samimy: Die UN-Gespräche über Afghanistan auf dem Petersberg – Sanfter Druck und Überzeugungskraft als Patentlösung in:

S. M. Samimy: Afghanistan, Tragödie ohne Ende?

Horlemann Verlag, Bad Honnef, 2003

S. 233-253

[2] سازمان ملل متحد: اعلامیه وزرای امور خارجه و دیگر نمایندگان عالی رتبه گروه "شش جمع دو" در مورد اوضاع افغانستان.

Briefing to the Security Council, Lakhdar Nahimi, 13. Nov.2001 [3]

www.un.org/News/dh/latest/afghan/brahimi-sec-briefing :

[4] همانجا

[5] همانجا

United Nation Information Center, Nov.26, 2001 [6]

.SID000256,24.nov.2001 [7]

AFPD000177,23-nov-2001 [8]

RTRE002426,23-nov-2001 [9]

United Nations Information Center,(10)

UNIC/427Nov.,27,2001.)

United Nations Informations Centre, UNIC/Nov.27,2011 (11)

www.auswärtiges-amt.de/www/de/politik/ausgabe_archiv (12)

(13) جدول کامل اعضای گروه چهارگانه در نشست بن

شماره	گروه جبه متحد	گروه روم	گروه قبرس	گروه پیشاور
1	محمد یونس قانونی	عبداستار سیرت	همایون جریر	سید حامد گیلانی
2	حاجی عبدالقدیر	عزیزالله واصفی	داکتر جلیل شمس	انور الحق احدی
3	عباس کریمی	هدایت امین ارسلا	داکتر عزیزالله لودین	حفیظالله آصف محسنی
4	محمد عارف نورزی	محمد اسحق نادری		
5	حسین انوری	سیما ولی		
6	مصطفی کاظمی	زلمی رسول		
7	ناطق	محمد امین فرهنگ		
8	داکتر هاشم فهیمی	مصطفی ظاهر		
9	امنه افضلی	عبدارحیم وردگ		
10	عبدالله خان	پاچا خان زدران		
11	میرویس	رنا منصور		
12				
13				

United Nations Informations Centre, Note for Correspondents, Nov.

27,2001

(14) مائخذ نقل قول های بیانات نمایندگان گروه چهار گانه پروتوکول خود نویسنده در پیتزربرگ میباشد..

www.afghan-web.com/aop/yes " (15)

www.afghan-web.com/aop/yes (16)

(17)

James F.Dobbins, After The Taliban, Nation-Building in Afghanistan,

Potamac Books, Inc, Washington, D.C.2008, P 3

(18) همانجا صفحه 23

(19) همانجا صفحه 4

(20) همانجا صفحه 55

(21) همانجا

(22) همانجا صفحه 73

(23) همانجا صفحه 75

(24) همانجا صفحه 83

(25) همانجا 91 صفحه

(26) همانجا صفحه 87

[27]

اعضای اداره موقت افغانستان با ساس توافقات بن

شماره	اسمای اعضا	کرسی (از وزترت ها باسم اداره نام برده شده است)
1	حامد کرزی	رئیس ادلره مقتی
2	سیما سمر	معاونرئیس و مسئول وزترت امور زنها
3	محمد قسیم فهیم	معاون رئیس و مسئول وزارت امور دفاعی
4	محمد محقق	معاون رئیس و مسئولوزارت پلان
5	شاکر کارگر	معاون و مسئل وزارت آب و برق
6	هدایت امین ارسلا	معاون رئیس و مسئل وزارت مالیه
7	عبدالله عبدالله	وزیر خارجه
8	محمد یونس قانونی	وزیر داخله
9	سید مصطفی کاظمی	وزیر تجارت
10	محمد الم رزم	وزیر معادن و صنایع
11	عارف نورزی	وزید صنایع خفیفه
12	رهین مخدوم	وزیر اطلاعات و فرهنگ
13	عبدالرحیم	وزیر مخابرات
14	میرویس صادق	وریر کار و خدمات اجتماعی
15	محمد حنیف بلخی	وزیر حج و اوقاف
16	عبدالله وردک	وزیر شهدا و معیوبین
17	عبدار سول رحیم	وزیر معارف
18	شدیف فیاض	وزیر تحصیلات عالی
19	سهیلا صدیقی	وزیر صحت عامه
20	عبدالخالق فضل	وزیر فواید عامه
21	عبدملک انور	وزیر انکشاف دهات
22	عبدلقدر	وزی ر انکاف شهرها
23	محمد امین فرهنگ	وزیر بازسازی
24	سلطان امیت سلطان	وزیر حمل و نقل
25	عنلیت الله نظری	وزیر برگشت مهاجرین
26	سید حسین انوری	وزیر زراعت
27	حاجی منگل حسین	وزارت آبیاری
28	عبدالرحیم کریمی	وزیر عدلیه
29	عهدالرحمن	وزیر ترانسپورت و توریزم
30	امانا الله زدران	وزیر سرحدات
رویکرد:		

http://en.wikipedia.org/wiki/Afghan_Interim_Administration

[28] پروتوکول نویسنده

[29] هما نجا

[30] هما نجا